

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

محمد اسحاق برکت
امریکا - ویرجینیا
سوم جنوری ۲۰۱۰

بیانید پښتو بیاموزیم

گړنۍ پښتو او لغتونه
(مخاوره و لغات پښتو)
دوهم لوست
(درس دوم)

در درس پښتوی امروز ضرب المثل زیر را از نظر گرامر تحلیل و تفسیر مینمائیم ، امید است آموزندگان ارجمند و گرامی و علاقه مندان درسهای پښتو آنرا به دقت مطالعه کرده و چیزی بیاموزند.
خواره دې شي مينځه چي د مينځي کالي مينځي.
این یک ضرب المثل پښتوست که میگوید:
افسوس (بد!) بحال کنیزی که لباسهای کنیزی را میپوشد.

خوار : به معنی بیچاره و عاجز که در دری نیز کاربرد وسیع دارد یک صفت سه شکلی پښتو میباشد:

خوار - برای مفرد مذکر

خوار یا خواره - برای جمع مذکر

خواره - برای مفرد مؤنث

خواري - برای جمع مؤنث.

در پښتو وقتی به کسی دعاء میکنیم میگوئیم:

خوار مه شي يا خواره مه شي! و اگر جمع باشند در آن صورت - خواره مه شي!

این دعائیه در دری هم ب شکل "خوار نشی" تداول دارد و اما معنای اصطلاحی آن ، "خیر ببینی" و "برکت ببینی" میباشد و بشتر گدا ها آنرا استعمال میکنند. همچنین وقتی از پا افتاده ای را کمک کنیم او نیز این دعائیه را استعمال میکند.

و یا : دا خواره واره پښتانه دې خدای یو ځای کړي ! یعنی خدا این پښتونهای تبت و پراگنده را یکجا کناد!

- خواره واره ، یک لغت مرکب پښتوست به معنای تبت و پاشان و پراگنده.

پښتون - مفرد مذکر

پښتانه - جمع مذکر

پښتنه - مفرد مؤنث

پښتنې - جمع مؤنث

دې : حرف ربطیست که ارتباط دو کلمه را تأمین میکند که آنرا باید از (د) که آن نیز حرف و با (دې) یکسان تلفظ میشوند ، فرق کرد زیرا (د) حرف اضافت است (در درسهای گذشته و مبحث حروف از آنها مفصل بیان شده.)

شي: فعل امر از مصدر معاونه (شول) یعنی شدن که میگوید: شود!

مینځه: با میم مکسور و یای معروف یعنی کنیز و نوکر.
اینجا باز میخوایم توجه علاقه مندان را به (ی) ها و تأثیر تلفظ درست آنها در معنای لغت پښتو، جلب نمایم.
– (ي) معروف دارای دو نقطه پهلوی هم بوده حرف ما قبل آن مکسور است چون مینه (محبت) مینځه (کنیز)، سړي (مرد ها)، مړي با میم مکسور (مرده ها) و غیره.
– (ی) ملین بدون نقطه بوده حرف ماقبل آن مفتوح است چون سړی (مرد)، مړی با میم مکسور (مرده)، پسرلی (بهار)، وری (بره) و غیره.
– (ې) مجهول دارای دو نقطه زیر هم بوده حرف ما قبل آن دارای زیر نسبتاً طویل میباشد چون مستي (ماست یا جُغرات)، شُدې (شیر)، مېنه (محل، جای، وطن، ناحیه)، ډېر – (ې) تانیث که که آنرا یای دمبک دار نیز میگویند، حرف ماقبل آن مکسور است چون:
کړکي (کلکین)، چوکي (چوکی)، کورتی (کرتی)
– (ئ) کړواله یا مربوط افعال که تلفظ آن با یای تانیث یکسان است اما با افعال استعمال میشود:
خملئ (بخوابید!)، راشئ (بیائید!).
اگر این (ي) ها درست تلفظ نمیشوند در معنای لغت هم تغییر رخ میدهد. مثلاً لغات مینه و مېنه را ملاحظه فرمائید که اولی عشق، محبت و دوستی و دومی محل، جای، وطن معنی میدهد.

چي: در گرامر پښتو از جمله اداتیست که وقتی با ضمائر استفهامی مثلاً "څوک، چا، څه، کله، څومره و غیره" یکجا شود لغت جدیدی (مرکب) با معنای جدیدی بوجود آید مثلاً:
څوک چي: (کسی که)، **څوک چي له ما سره غېر نیسي نو میدان ته دي را ودانگي!**
کسیکه با من کشتی میگیرد به میدان بشتابد (درآید)! (صرف در زمان حال)
چا چي: (کسیکه) در زمانهای ماضی مورد استعمال دارد:
لا تر اوسه يي ما غزه پر قرار نه دي
چا چي ما سره وهلي سر په سنگ دی
څه چي: (چیزی که) - **څه چي کړي هغه به رېږي** - چیزی را که کشت کنی همان را بیدروی
کله چي: (وقتی که) - **کله چي پسرلی شي، شا و خوا ټول زرغون او شنبلی شي**
وقتی بهار میشود، همه جا سبز و شاداب میگردد.
څومره چي: (هر قدری که) - **څومره چي له ما سره مینه کوي، هومره په ما گرانېږي**
هر قدر با من محبت میورزی، بهمان پیمانه محبوب من میگردد

د مینځي کالي: (لباسها یا کالاهای خدمه)
درین عبارت (مینځه) بنا بر وجود (د) اضافت به (مینځي) تبدیل شده زیرا (د)، ملکیت کنیز را بر کالا نشان میدهد.
چنانچه در بحث های گذشته یاد آور شده ایم، بار دیگر صرف بخاطر ذهن نشینی بهتر شما یادآور میشویم که بعضی ادات یا حروف (د - له و...) وقتی در پیش روی یا جلو بعضی نامها جا میگیرند - اخیر نام را تغییر میدهند از جمله مثلاً نامهای مذکر مختوم به (ی) ملینه، به (ي) معروف بدل میشود.
یا نامهای مؤنث مختوم به (ه) غیر ملفوظ، به (ې) مجهول بدل میشود.

کالی: با (ی) ملینه که باید حرف ماقبل آن مفتوح و مفرد مذکر باشد، به معنای لباس یا کالا و جمع آن (کالي) با (ي) معروف یعنی کالاهای.

مینځي: از مصدر (مینځل یا وینځل)، مفرد غایب در زمان حال.

گردان زمان حال مصدر مینځل یا وینځل:

- زه مینځم (وینځم)
- ته مینځي (وینځي)
- هغه - دا مینځي (وینځي)
- موږ وینځو (مینځو)
- تاسو مینځئ (وینځئ)

– هغوی - دوی مینځي (وینځي)

تا درس دیگر پښتو که باز هم در خدمت خواهم بود، شمارا به خدا میسپارم.